



● ترسیم وضعیت جامعه اسلامی و انقلابی ما و بیان ایثارها و فداکاریهای موجود در آن و همچنین اثرات عظیم حرکت‌های اجتماعی مردم ما بر مستضعفین جهان و ایجاد تحرک در آنان را که حاصل پیدایش حیات در زندگی اجتماعی ما می‌باشد، باید از اهم وظایف مریبان دانست.

مراتب تربیت اجتماعی

محسن ایمانی

هنگام عبور از کوچه و خیابان و یا به هنگام حضور در مجالس و محافل، به کودک نشان داد و از آن نوع رفتارها به نیکویی سخن گفت. بدین ترتیب کودک رفتار درست را مشاهده می‌نماید و در اثر تذکر و لسی، به حقانیت و درستی آن پی می‌برد و با تشویق والدین به انجام اعمالی مشابه آن اقدام می‌ورزد. همچنین وقتی که کودک خود عمل خوبی را انجام می‌دهد باید به او بگوییم که این کار تو که به خاطر خدمت به دوست انجام داده‌ای خیر است، تا او با مفهوم خیر در مرادوات اجتماعی آشنا گردد.

والدین و مریبان نقش مؤثری در تنظیم و هدایت رفتارهای کودک دارند، بشرط آنکه به طریق و شیوه‌های هدایت رفتار و اعمال آشنا، و از ظرافت‌های آن نیز مطلع باشند.

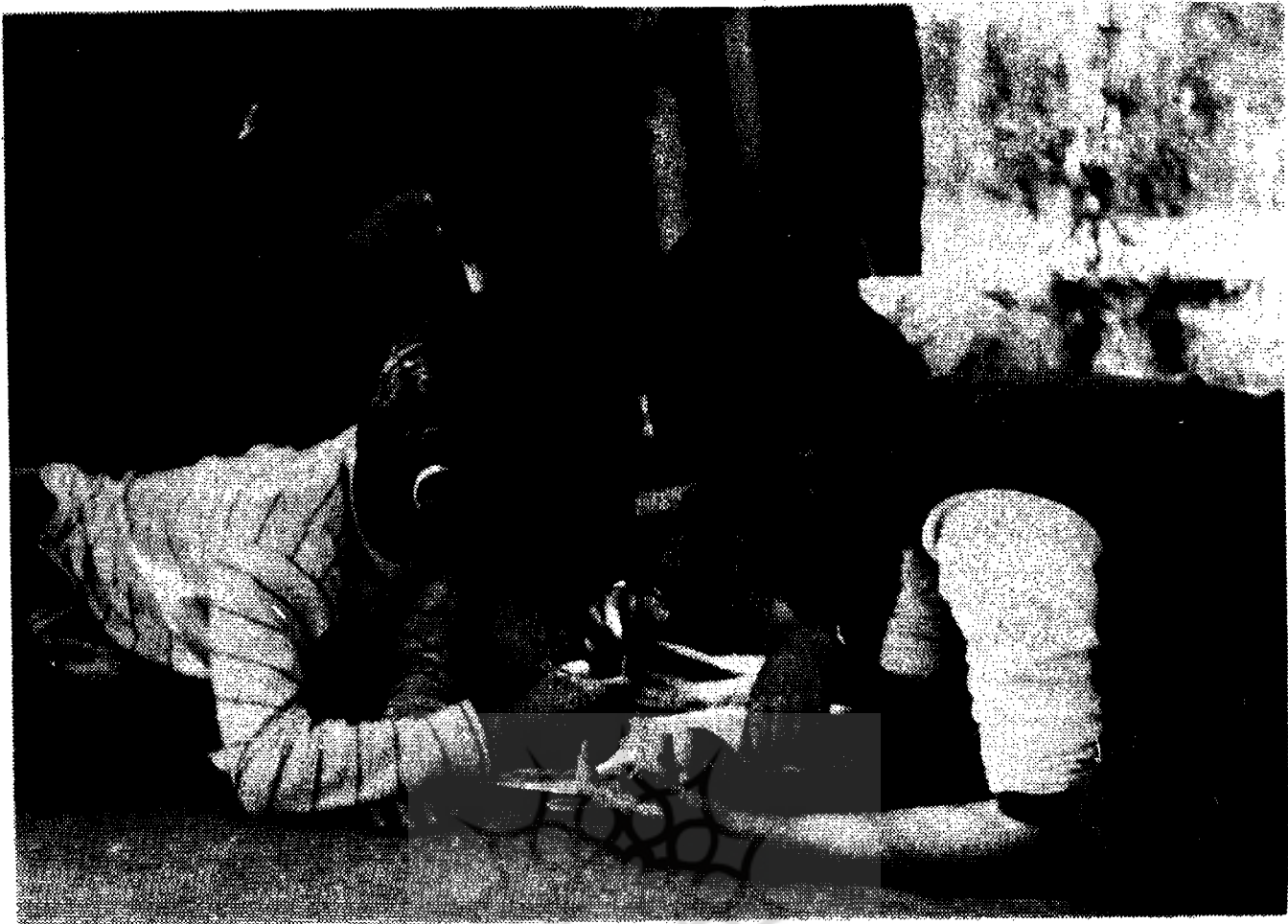
۲ - شناخت اجتماع و خصوصیات آن باید اولین مرحله آموزش را تشکیل دهد. چرا که غرض ما از تربیت اجتماعی

● کودک در اولین مراحل زندگی خویش به فرا گرفتن رفتارها و حرکات دیگران می‌پردازد، به همین جهت باید شرایطی را فراهم آورد که الگوهای مناسب اجتماعی و اخلاقی در مقابل کودک حضور داشته باشد تا با تأثیر پذیری از آنها، رفتارهای اجتماعی مطلوب در کودک شکل گیرد.

● تا نقشی از خصوصیات و ویژگیهای جامعه در ذهن مرتربی ترسیم نگردد «او» هرگز درک صحیحی از جامعه نخواهد داشت و چون شناختی از جامعه ندارد، در نتیجه رفتارهای خویش را نیز نمی‌تواند با افراد آن تنظیم نماید.

تا با تأثیر پذیری از آنها، رفتارهای اجتماعی مطلوب در کودک شکل گیرد. همچنین برای تنظیم رفتارهای اجتماعی کودک، باید لغزشهای او را با تذکر و تشویق برطرف نمود. و برای هدایت رفتارهای کودک، باید با ارائه داستانهای مفیدی که در آن رفتارهای مناسب و مفید اجتماعی صورت گرفته است او را جهت مثبت بخشید. و با رفتارهای صحیح اجتماعی را در

۱ - اولین گام در تربیت اجتماعی، تنظیم و هدایت رفتارهای اجتماعی است که به طور عمده توسط تقلید و الگو گرفتن از اجتماع صورت می‌پذیرد. کودک در اولین مراحل زندگی خویش به فرا گرفتن رفتارها و حرکات دیگران می‌پردازد به همین جهت باید شرایطی را فراهم آورد که الگوهای مناسب اجتماعی و اخلاقی در مقابل کودک حضور داشته باشد



آشنا گردانند و تلاش نمایند که آنان از دستورات، قوانین و مقرراتی که لازمه زندگی در اجتماع مسلمانان است و باید در هنگام برخورد با دیگران رعایت شوند، آگاهی یابند و اهمیت مراعات آنها را نیز دریابند.

شناخت از جامعه باید شامل شناخت از رهبر و فلسفه اجتماعی و سیستم حکومت و مسئولین و سران و نهادها و مؤسسات سیاسی و اجتماعی و نظایر آن باشد و در هر مرحله سنی شناختی که داده می شود باید متناسب با آن سن خاص باشد یعنی اطلاعاتی که داده می شود باید با ظرفیت ادراکی آن سنین منطبق باشد و به تناسب رشد فرد باید شناخت او را از جامعه افزایش داد. مثلاً کودک که تصویری از جامعه بین المللی ندارد، سخن گفتن از روابط بین الملل نیز برای او مفهومی نخواهد داشت.

پس با توجه به رشد ظرفیت ادراکی کودک در سنین دبستان و مراحل بالاتر تحصیلی، می توان رفته رفته آگاهیهای بیشتری را از جامعه و روابط اجتماعی حاکم بر آن در اختیار کودک قرار داد و برجسته های مثبت روابط صحیح صحنه

موجود در جامعه را در خود منعکس نماید و مصداقهای خوب راه شاگردان ارائه دهد.

مثلاً ترسیم وضعیت جامعه اسلامی و انقلابی ما و بیان اینها و فداکاریهای موجود در آن و همچنین اثرات عظیم حرکت های اجتماعی مردم ما بر مستضعفین جهان و ایجاد تحرک در آنان را که حاصل پیدایش حیات در زندگی اجتماعی ما می باشد، باید از اهم وظایف مربیان دانست. آنها باید دانش آموزان را با فلسفه اجتماعی حاکم بر جامعه که فلسفه اجتماعی اسلام که مکتبی جامع و برحق می باشد،

● **والدین و مربیان نقش مؤثری در تنظیم و هدایت رفتارهای کودک دارند، بشرط آنکه به طریق و شیوه های هدایت رفتار و اعمال آشنا و از ظرافت های آن نیز مطلع باشند.**

آنست که افرادی را پرورش دهیم که بتوانند در جامعه اسلامی زندگی نموده و در مراودات اجتماعی شرکت داشته و شیوه های برخورد صحیح را با افراد اجتماع کسب نمایند. در اینجا آنچه مطرح میگردد دادن شناختی از جامعه به فرد می باشد، زیرا تا نقشی از خصوصیات و ویژگیهای جامعه در ذهن متربی ترسیم نگردد، او هرگز درک صحیحی از جامعه نخواهد داشت و چون شناختی از جامعه ندارد. در نتیجه رفتارهای خویش را نیز نمی تواند با افراد آن تنظیم نماید.

در امر پرورش اجتماعی شاگردان، باید آموزش و پرورش خود نخستین ترسیم کننده رسمی ویژگیهای اجتماع باشد و شناخت اولیه باید توسط خانواده تأمین بشود و از آنجاییکه کودک در سنین مدرسه رفته رفته توان شناخت بیشتری را از جامعه کسب می نماید، لذا معلم و مربی باید ابتدا شناختی مناسب و دقیق را از وضعیت جامعه در ذهن شاگردان ترسیم نمایند و این امر باید با توجه به جنبه های مثبت موجود در جامعه صورت گیرد و مدرسه باید جنبه های خوب

گذارد و روابط پسندیده اجتماعی را تشریح نمود.

بنابر این دومین گام را در پرورش اجتماعی فرد، آماده سازی او برای شناخت از جامعه و دادن شناخت مناسب از جامعه به وی میدانیم که فراهم کردن امکان این شناخت به عهده آموزش و پرورش و سایر نهادهای فرهنگی و اجتماعیست ولی باید اذعان نمود که سهم عمده آموزش و پرورش در این زمینه درخور توجه بسیاری باشد.

این نکته نیز نباید فراموش شود که شناخت از جامعه و روابط اجتماعی مفید موجود در آن، تنها از طریق مدرسه صورت نمی گیرد بلکه این شناخت در برخورد با اجتماع و خانواده و نزدیکان و خویشاوندان نیز صورت می پذیرد که در واقع آموزشی غیررسمی می باشد که این نوع آموزشها نیز سهم مهمی در پرورش اجتماعی افراد دارا می باشد.

وقتی که امر شناخت جامعه و خصوصیات گوناگون آن فراهم آمد، آنگاه می توان وظایف و تکالیف و روشهای درست ارتباطات اجتماعی را برای دانش آموزان بیشتر و بهتر مطرح نمود و حدود و ضوابط و رعایتها را در برخورد با دیگران به نحو جامعتری به آنان آموخت، تا در شناخت جامعه از بینش و توان بیشتری برخوردار گردند و به روابط اجتماعی خود تعمق و استواری بیشتری بخشند.

مرحله سوم، را باید مرحله نظارت بیشتر بر رفتار اجتماعی نوجوان دانست یعنی نوجوانی که در مرحله قبلی را پشت سر نهاده است و رفتارهای او در کودکی هدایت شده و بدنبال آن به شناختی از جامعه نایل گردیده است، اینک پس از طی این مراحل نیاز دارد که رفتارهای اجتماعی او تحت نظارت بیشتری قرار گیرد و وظیفه والدین و اولیای مدارس آنست که به هنگام

کودک میل دارد که با دیگران رابطه داشته باشد و ترجیح میدهد که این رابطه را با کودک هم سن و سال خود برقرار نماید، زیرا دو کودک زبان یکدیگر را بهتر درک می کنند.

برخوردهای اجتماعی او را تحت مراقبت قرار دهند و خطاها و کژی های او را در برخورد با دیگران گوشزد نمایند و روش های بهتری را به منظور تقویت رفتارهای اجتماعی به وی آموزش دهند.

معلمان و مربیان در این سنین می توانند فردی را که دارای ضعفهایی در رفتارها و روابط اجتماعی است، ضمن هدایت او به درون گروههای موجود در مدرسه و خاصه آن گروهی که این روابط را به نحو بهتری دارا می باشند، تذکرات لازم را نیز به وی در هنگام ضرورت بدهند.

زیرا نوجوان با روحیاتی که دارد، سخت تحت تأثیر گروه همسالان قرار میگیرد و در روابط اجتماعی نیز از سایر دوستان خود متأثر میگردد. بدین ترتیب رشد فراوانی در رفتارها و روابط اجتماعی وی پدید می آید ولی نقش اولیای مدرسه و والدین آنست که نوجوان را از پذیرش اثرات منفی رفتارهای دوستان و همسالان بازدارند و با تشریح و

● اگر خانواده بر روابط

اجتماعی تکیه نماید و شرایط لازم را برای اجتماعی شدن کودک فراهم آورد و از سویی خود نیز الگویی برای این جریان باشد، بخوبی می تواند بعد تربیت اجتماعی فرزند خویش را پرورش دهد.

ترغیب و تذکر، او را به جهت های صحیح در روابط اجتماعی سوق دهند.

● عملکرد خانواده در راستای تربیت اجتماعی

یکی از شیوه هایی که جامعه شناسان در ارتباط با بررسی و تحقیق پیرامون هر تشکیلات و نهاد اجتماعی از آن سود می جویند، بررسی از عملکرد آن نهاد است. حال ما در اینجا می توانیم این پرسش را در مورد نهاد خانواده که یکی از ابتدائی ترین نهادهای اجتماعی است مورد استفاده قرار دهیم. یعنی سؤال نماییم که خانواده چه عملکردهایی دارد؟

خانواده نقش پاسخگویی به نیازهای جسمی و روانی و معنوی و تأمین امکانات

رفاهی و آرامش و امنیت روانی اعضا و ارائه آموزشهای مورد نیاز زندگی مردمی و اجتماعی را بر عهده دارد و در صورتیکه عملکرد آن از بازدهی مطلوبی برخوردار باشد می تواند به خوبی از عهده انجام آن وظایف برآید. از جمله این وظایف رامی توان تربیت اجتماعی اعضای آن دانست که به طور متقابل انجام می شود و هر یک از اعضا می توانند به نحوی رشد تربیت اجتماعی دیگر عناصر را باعث شوند مشروط بر آنکه از تجربیات مفید خویش در این زمینه، بهره های لازمه را برگزینند.

پس خانواده بساکن مرکزی است که در آن عده ای انسان را رودر روی هم قرار می دهد و این واحد ساده اجتماعی که جامعه شناسان آنرا گروه اولیه جامعه نام نهاده اند با عملکرد صحیح خود می تواند بهترین گامها را در مسیر تربیت اجتماعی اعضای خود بردارد.

اثرات خانواده در شکل گیری رفتار اجتماعی فرد

۵ و یا ۷ سال نخستین زندگی را زمانی میدانیم که در آن مبانی تربیت اجتماعی شکل می گیرد و اگر ارتباطات اجتماعی در این سنین با کودک اندک باشد این امر کمک مؤثری به بیدایش زمینه های انزوا می نماید. کودک در این سنین تحت تأثیر حرکات و رفتارهای اجتماعی خانواده خویش قرار می گیرد و باید اذعان نماییم که این سالها قطعاً از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. اگر چه کودک در مرحله بالاتر

سنی و حتی دوران نوجوانی و جوانی نیز در ارتباط با مسائل و برخوردهای اجتماعی، از خانواده متأثر می باشد، ولی این تأثیر در دوران اولیه کودکی بیشتر می باشد و خانواده نیز موظف است که از همان سالهای نخستین کودکی، فرزند خویش را با مسائل و روابط اجتماعی مورد نیازش آشنا گرداند. والدین باید بدانند که کودک نیازمند به داشتن روابط اجتماعی است. و حتی بازی در محیطی بدور از اجتماع و یا بدور از همسالان نیز نمی تواند او را اکتفا نماید. شاید این مسئله در برخوردهای کودکان با ما نیز تا حدودی روشن شده باشد.

خانواده ای که دارای یک فرزند می باشد، در فرزند خود مسائلی از این قبیل مشاهده می نماید که مثلاً او اظهار میدارد که: «مرا به خانه خاله ام ببر تا با بچه

او بازی کنم» و یا می‌گوید: «راستی مادر چرا من همبازی ندارم؟» و یا می‌گوید: «مادر چرا من خواهر و یا برادری ندارم که با من بازی کند؟» و حتی گاه بدلیل این تنهایی کودک در سن ۵ سالگی از مادر خود تقاضا می‌کند که «شماره تلفن پسر خاله ام را بگیر تا من با او صحبت کنم». پس از اینکه مادر شماره را می‌گیرد، او مدتی را به صحبت با فرزند خاله اش که هم سن و سال اوست می‌گذراند و یا از مادرش می‌خواهد که به او اجازه دهد تا به خانه همسایه رفته و با فرزند همسایه بازی کند.

این همه بیانگر آنست که کودک میل دارد که با دیگران رابطه داشته باشد و ترجیح می‌دهد که این رابطه را با کودک هم سن و سال خود برقرار نماید، زیرا دو کودک زبان یکدیگر را بهتر درک می‌کنند. هنگامی که در کنار هم قرار می‌گیرند، بدلیل داشتن همین تفاهم نزدیک به خوبی با هم بازی می‌کنند و وقتی کودکی نقشی را برای اشیاء قائل می‌شود، مثلاً چوبی را اسب نام می‌کند کودک مقابل، از وی می‌پذیرد و این بازیهای مبتنی بر رمز را بخوبی مشاهده می‌کنیم. از طرفی بزرگسالان کمتر حوصله پذیرش اینگونه مسائل را دارند و یا کمتر حاضرند که با کودکان همبازی شوند، درحالیکه زندگی پیامبر اسلام (ص) گویای این حقیقت است که ایشان، با کودکان به بازی می‌پرداختند و حسنین با پیامبر بازی می‌کردند و روی دوش آن حضرت نیز سوار می‌شدند. اگر این بازیها نقش سازنده و معقولی را در برداشت، یقیناً پیامبر (ص) از انجام آنها اجتناب نمی‌نمودند و اگر امر لغوی بود، هرگز بدان تنی در نمی‌دادند و مؤمنین را بدان ترغیب نمی‌کردند زیرا یکی از صفات

● خانواده‌سان مرکزی است که در آن عده‌ای انسان رودر روی هم قرار می‌گیرند و این واحد ساده اجتماعی که جامعه‌شناسان آنرا گروه اولیه جامعه نام نهاده‌اند با عملکرد صحیح می‌تواند بهترین گامها را در مسیر تربیت اجتماعی اعضای خود بردارد.

بارز مؤمنین اعراض نمودن از لغوی باشد. قرآن در بیان صفات مؤمنین می‌فرماید: «والذین هم عن اللغو معرضون» مؤمنین از لغو اعراض می‌نمایند. پس بطریق اولی پیامبر که بزرگترین راهبر مؤمنین است از لغو اعراض نموده و لحظه‌ای مرتکب انجام امر لغو نگردیده‌اند، اما پیامبر با بازی کردن با کودکان به این نیاز روانی و تربیتی آنها توجه می‌نمایند و تربیت اجتماعی و مبانی آن را در کودک تحقق می‌بخشند و توصیه می‌کنند که در برخورد با کوچکترها، به آنها احترام بگذارید. کودک نیز بالطبع رفتار و حرکات اجتماعی و نحوه برخورد با طرف مقابل را می‌آموزد. اگر او را محترم داشتید و با او محترمانه برخورد کردید، به او آموخته‌اید که تو نیز در برخورد با دیگران اینگونه باش. پس

● اگر خانواده، خود دچار انزوا باشد و با دیگر اقوام و خویشان رابطه و تماس نداشته باشد، چنین خانواده‌ای زمینه‌ای منفی در روابط اجتماعی برای فرزند خویش فراهم می‌نماید.

دریافتیم که کودک نیازمند به داشتن روابط اجتماعی اسبست و خانواده نیز در جهت برقراری و هدایت و جهت بخشیدن به این روابط نقش ویژه‌ای دارد. و باید نسبت به برقرار نمودن رابطه اجتماعی خوب و مثبتی اقدام نماید تا از این طریق، هم نیاز فعلی طفل خویش را برآورده باشد و هم با در نظر گرفتن اهمیت روابط اجتماعی، آمادگیهای لازم را جهت ایجاد روابط صحیح اجتماعی در او بوجود آورد. تا نیاز آینده‌ی او را نیز بطریق معقولی پاسخ گفته باشد.

اگر بخواهیم در آینده دارای فرزندان نباشیم که وادی انزوا طلب کنند و بخواهند بدور از غوغای اجتماعی زندگی نمایند، باید در هنگام کودکی زمینه‌های مناسب را برای برقراری روابط اجتماعی ایجاد نموده با دیگر خانواده‌ها و فامیل معاشرت کرده صله رحم کنیم تا در اثر این رفت و آمدها برای کودک دو امر پدید آید: یکی آنکه کودک در اثر این معاشرتها و نحوه برخورد های والدین با بزرگترها، رفتار

● والدین باید بدانند که کودک نیازمند به داشتن روابط اجتماعی است و حتی بازی در محیطی بدور از اجتماع و یا بدور از همسالان نیز نمی‌تواند او را اقناع نماید.

اجتماعی را بیاموزد و دیگر آنکه خود نیز مجال برخورد بیشتر با افراد هم سن و سال خویش را بدست آورد و همچنین شیوه برقراری ارتباط با بزرگترها را دریابد. لذا می‌بینیم که اگر خانواده بر روابط اجتماعی تکیه نماید. و شرایط لازم را برای اجتماعی شدن کودک فراهم آورد. و از سویی خود نیز الگویی برای این جریان باشد، بخوبی می‌تواند بعد تربیت اجتماعی فرزند خویش را پرورش دهد. اگر خانواده، خود دچار انزوا باشد و با دیگر اقوام و خویشان رابطه و تماس نداشته باشد، چنین خانواده‌ای زمینه‌ای منفی در روابط اجتماعی برای فرزند خویش فراهم می‌نماید، زیرا نه فرزند الگویی خوبی برای فراگیری روش برخورد اجتماعی دارد و نه خانواده توانسته است با تأمین و برقراری رابطه اجتماعی فرزند با دیگری و جهت دادن و زیر نظر گرفتن این رابطه‌ها، اقدامی به عمل آورد که ثمره‌ایند و امر چیزی جز انزوی کودک نخواهد بود.

همچنین والدینی که خود به امر معاشرت اهمیت می‌دهند، نباید از کنترل و نظارت بر رفتارهای کودکان و نوجوانان خویش غافل شوند، و اگر مشاهده کردند که کودک و یا نوجوان آنها تماسی با افراد هم سن خود برقرار نمی‌سازد، سعی کنند که در همان مجالس مهمانی، بین آنها رابطه مثبت دوستانه‌ای را برقرار سازند. سعی بر نظارت داشته باشند تا آنها از جهت‌های مثبت به سوی هدفهای منفی میل نکنند. همینطور برای فرزندان خویش دوستان خوبی را بیابند و زمینه‌هایی برای پذیرش این دوستیهای خوب فراهم آورند. و تذکرات لازم را به آنها بدهند و بدانند که اثرات تربیتی معاشرت داشتن با افراد نیک بسیار مفید است و معاشرت با بدان اثرات بد تربیتی را به دنبال خواهد داشت.

ادامه دارد